



وضعیت عراق هستند. بخش مهمی از این متن، بر توصیه‌هایی برای همکاری اطلاعاتی و سیاسی آمریکا و اسرائیل برای مهار نیروهای مقاومت عراق متمرکز است. مهم‌ترین نگرانی این سند سیاستی، همان‌طور که می‌توان پیش‌بینی کرد، نیروهای بسیج مردمی در عراقند: «نیروهای بسیج مردمی که از سال ۲۰۱۶، به رسمیت شناخته شده‌اند، از جمله این گروه‌ها هستند که بویژه با هدف مقابله با داعش تشکیل شده‌اند. با این حال، این شبه‌نظامیان عمدتاً خواهان بیرون راندن نیروهای آمریکایی از منطقه و مخالفت با اسرائیل هستند. پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، این گروه‌ها حملاتی علیه اسرائیل و پایگاه‌های آمریکایی در عراق و سوریه انجام دادند. این حملات بویژه پس از تحویل موشک‌های پیشرفته به شبه‌نظامیان عراقی در آوریل ۲۰۲۵، شدت گرفت.» متن به دولت آمریکا و رژیم اشغالگر توصیه می‌کند: «ایالات متحده و اسرائیل فرصت دارند با حمایت از نهادهای دولتی عراق، بویژه در زمینه مقابله با شبه‌نظامیان حامی ایران، نفوذ ایران در این کشور را کاهش دهند. ایالات متحده باید با تقویت روابط خود با دولت عراق، برای اصلاحات امنیتی و اقتصادی فشار آورد و از تحکیم موقعیت شبه‌نظامیان در ساختار دولتی عراق جلوگیری کند. اسرائیل نیز باید از خودداری از حملات به خاک عراق مگر در شرایط ضروری حمایت کرده و از گفت‌وگوهای استراتژیک با دولت عراق استفاده کند تا وضعیت امنیتی را در این منطقه کنترل کند. همچنین اسرائیل باید آمادگی خود را برای مقابله با قاجاقی سلاح از عراق به سوریه تقویت کند.»

■ **یمن مقاوم**

موسسه مطالعات امنیت قومی رژیم صهیونیستی تصریح می‌کند حوثی‌ها یکی از مهم‌تریم دلایل اخلاف در تجارت خارجی اسرائیلند و از ابتدای جنگ تاکنون بخوبی نقش آفرین بودند اما پس از این اعتراف با توجه به سطح توصیه‌ها می‌توان پی به عمق دل‌نگرانی رژیم از یمن برد. متن برای مهار حوثی‌ها تصریح می‌کند: «حوثی‌ها که خود را از ایران مستقل می‌دانند، همچنان تهدیدی بزرگ برای اسرائیل و ایالات متحده محسوب می‌شوند. برای مقابله با این تهدید، ایالات متحده و اسرائیل باید به طور مستمر فشارهای سیاسی و اقتصادی را علیه حوثی‌ها اعمال کنند. در این راستا، ایالات متحده باید با تحریم و جلوگیری از گسترش شراکت‌های حوثی‌ها با دیگر گروه‌های تروریستی، کمک‌های اقتصادی به دولت یمن را هدایت کند و تلاش‌های دیپلماتیک برای حل‌وفصل سیاسی در یمن را تقویت کند. اسرائیل نیز باید فشار بین‌المللی را برای اجرای تحریم‌ها علیه حوثی‌ها افزایش داده و همکاری‌های امنیتی با کشورهای منطقه را بویژه در سواحل دریای سرخ، تقویت کند. همچنین تقویت حضور نظامی در تنگه باب‌المندب و افزایش قابلیت‌های اطلاعاتی در زمینه یمن برای مقابله با تهدیدات بیشتر ضروری است.»

■ **انقلابی‌دایی**

در بخش نتیجه‌گیری این متن، بخوبی می‌توان پی برد چه عنصری بیش از همه موجب دل‌نگرانی و ترس آمریکا و رژیم صهیونیستی را فراهم آورده است. متن بیان می‌کند هر ۲ رژیم، تقابلی به سمت ساخت یک دوقطبی افق توسعه در برابر ایدئولوژی انقلابی پیش ببروند. در مسیر مقابله با ایده‌های انقلابی به مشخص آمریکاست، کدام دولت بیش از دیگران همراه خواهد بود؟ سعودی! «ایالات متحده همچنین باید از تاکتیک‌های قدرت نرم برای به چالش کشیدن روایت انقلابی ایران و ترویج دیدگاهی برای منطقه که بر ثبات، امنیت و رفاه متمرکز است به جای جنگ دائم علیه اسرائیل و منافع ایالات متحده در منطقه، استفاده کند. در بهترین حالت، مؤثرترین راه برای محدود کردن جاذبیت ایدئولوژی مقاومت ایران، محدود کردن نفوذ آن فراتر از مرزهای ایران است؛ با ایجاد یک مسیر واضح برای استقلال فلسطین و گسترش توافقات ابراهام به کشورهای بیشتری با اکثریت مسلمان، بویژه بورستان سعودی» در این بخش از متن بخوبی نشان داده می‌شود اسرائیل و آمریکا به روشنی از هیچ چیز به اندازه ایده مقاومت هراس ندارند.

اعتراف مهم و ضمنی دیگر متن، ناتوانی رژیم و آمریکا در وارد آوردن ضربات بلندمدت به محور مقاومت است. متن بیان می‌کند اگر اسرائیل و آمریکا توان مقاومت این نیروها را دست‌کم بگیرند، به خطا خواهند رفت: «سیاست‌گذاران ایالات متحده و اسرائیل نباید تاب‌آوری ایران و متحدانش را دست‌کم بگیرند. در همین حال، گفتمان در تهران نشان نمی‌دهد ایران براحتی از حمله خود دست بکشد و به استراتژی جدیدی رو آورد. ایران مطمئناً سعی خواهد کرد با توجه به تغییرات محیط جغرافیایی – استراتژیک، خود را تطبیق دهد.»



گزارش INSS از دستور کار رژیم صهیونیستی و آمریکا برای ادامه مسیر جنگ

سند اختاپوس، ترس از مقاومت

بیشتر آمریکا به منطقه است، اکنون آمریکا این فرصت را در اختیار دارد که در منطقه بیشتر دخیل شود: «آمریکا می‌تواند زمینه‌ساز تشکیل یک ائتلاف منطقه‌ای از کشورهایی شود که بر ساختار جدیدی برای تقویت همکاری و ترویج شکوفایی اقتصادی متمرکزند؛ بویژه برای سوریه، لبنان و در نهایت غزه پس از جنگ. چنین چارچوبی آشکارا ضدایرانی نخواهد بود اما بدلیی در برابر دیدگاه تهران برای منطقه ارائه می‌دهد.» متن بخوبی نشان می‌دهد تا چه پاه ادعاهای ۲ رژیم اسرائیل و آمریکا در نابودی محور مقاومت بی‌راه است و تصریح می‌کند: «با این حال، ایران و محور مقاومت تضعیف شده‌اند، نه نابود. آنها همچنان دارایی‌های نظامی کافی دارند و تهران برای بازسازی این محور تلاش خواهد کرد.»

■ **معضل سوری**

از مهم‌ترین دل‌مشغولی‌های رژیم که در این متن هم بازتاب دارد، رژیم جولانی در سوریه است. متن اعتراف می‌کند: «حملات اسرائیل به اهداف دولتی سوریه و حضور نظامی‌اش در جنوب غرب سوریه، به سرعت به یک نقطه ضعف تبدیل شده که دولت جدید و افکار عمومی سوریه را تحریک می‌کند. چنین اقداماتی می‌تواند به بی‌ثباتی سوریه دامن بزند، راه بازگشت ایران را باز کند و روایت تهران مبنی بر «توسعه‌طلبی اسرائیل» را تقویت کند. به سود اسرائیل خواهد بود که اولویت را به گفت‌وگو با دولت جدید سوریه بدهد.» متن رژیم را ملزم می‌کند به سمت «ایجاد تفاهات پایدار با دولت سوریه برای روشن شدن منافع مشترک، کاهش تنش‌ها و فراهم کردن زمینه همکاری گسترده‌تر در آینده؛ استفاده از خط تماس فوری با ترکیه به‌عنوان بستری برای نزدیکی و کاهش اختلافات؛ پرهیز از اقداماتی که به تجزیه سوریه دامن بزند، بویژه در ارتباط با اقلیت دروزی؛ خودداری از مداخله در سیاست داخلی سوریه، چه در میان دروزی‌ها و چه سایر اقلیت‌ها؛ توقف اظهارنظرهای علنی درباره ضرورت «تجزیه» سوریه یا تضعیف یکپارچگی آن؛ پرهیز از اقدامات نظامی تشدیدکننده تنش و در عوض اولویت دادن به گفت‌وگوی آرام با دمشق برای حمایت از اقلیت‌ها؛ استفاده از خط تماس دائم با ترکیه برای جلوگیری از حوادث احتمالی میان ارتش‌ها در سوریه؛ ادامه مذاکرات مستقیم یا غیرمستقیم

با دمشق و عقب‌نشینی تدریجی نیروهای زمینی از جنوب غرب سوریه در صورت دستیابی به تفاهات دوجانبه و محدود کردن حملات هوایی و زمینی به خاک سوریه» پیش رود. متن در عین حال به دولت آمریکا نیز توصیه می‌کند به سمت «پایبندی به رفع تحریم‌ها و طراحی سازوکارهای پاسخگویی برای دولت جدید سوریه؛ همکاری با کنگره برای لغو تدریجی تحریم‌های قانون سزار مشروط به تحقق معیارهای مشخص و صدور مجوز برای ورود کمک‌ها و سرمایه‌گذاری به سوریه در سریع‌ترین زمان ممکن؛ اعلام انتظارات شفاف از دولت سوریه همچون انحلال گروه‌های مسلح فلسطینی، جلوگیری از انتقال سلاح به حزب‌الله، حذف گنججویان خارجی از پست‌های دولتی و نظامی، تشکیل دولت فراگیر و حفاظت از حقوق اقلیت‌ها، در ازای افزایش سطح تعامل ایران و پایان تحریم‌ها و حفظ یک نیروی نظامی محدود به‌عنوان سد بازگشت داعش، در هماهنگی با سازوکار منطقه‌ای نوظهور به رهبری ترکیه» پیش رود.

■ **دل‌نگرانی لبنانی**

رژیم بر اساس این متن، بسیار دل‌نگران وضعیت لبنان و حزب‌الله است. در روایت رژیم اسرائیل «حزب‌الله، یکی از مسلح‌ترین گروه‌های غیردولتی در جهان و بخش اصلی محور مقاومت ایران، در سال‌های اخیر با چالش‌های بزرگی مواجه شده است. از زمان آغاز درگیری‌ها پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ بویژه پس از عملیات‌های نظامی اسرائیل در سپتامبر ۲۰۲۴، حزب‌الله خسارات سنگینی دیده و حدود ۵ هزار نیروی خود را از دست داده است. غیبت حسن نصرالله، رهبر دیرپای این گروه، ضعف قابل توجهی در رهبری حزب‌الله ایجاد کرده است. در نتیجه، این گروه توانایی لازم را برای بازسازی جنوب لبنان که پایگاه اجتماعی حیاتی آن است، ندارد. ایران همچنان به حمایت مالی و تسلیحاتی از حزب‌الله ادامه می‌دهد اما ضعف‌های داخلی لبنان و سقوط رژیم اسد، چالش‌های جدی برای بازسازی این گروه ایجاد کرده است. از سوی دیگر، بحران اقتصادی شدید لبنان که از سال ۲۰۱۹ آغاز شده، فرصت‌هایی برای بازگشت نفوذ ایران را فراهم کرده است.»

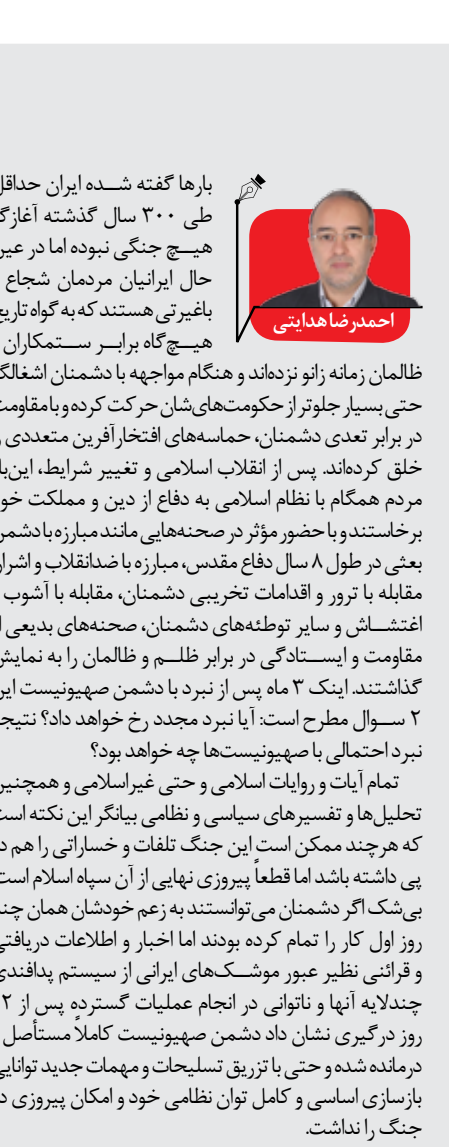
توصیه‌های این موسسه به رژیم صهیونیستی برای دل‌نگرانی حزب‌الله چیست؟ موسسه تصریح می‌کند: «ایالات متحده و

«موسسه مطالعات امنیت قومی» یا INSS یکی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین اندیشکده‌های طرف مشورت در رژیم صهیونیستی است. این موسسه به طور ویژه به تحلیل و پژوهش در زمینه تهدیدات امنیتی، استراتژی‌های

دفاعی، تروریسم، سیاست‌های بین‌المللی و مسائل مرتبط با سیاست داخلی رژیم می‌پردازد و با همکاری متخصصان دانشگاهی، تحلیلگران، نظامیان سابق و سیاستمداران رژیم صهیونی، یک منبع مهم برای مشاوره‌های سیاستی در این رژیم به شمار می‌رود و یکی از مراکز مهم تدوین استراتژی‌های امنیتی و اولویت‌های دفاعی است. این موسسه، ۱۱ سپتامبر یک گزارش مهم و طولانی ارزیابی از جبهه‌های درگیر ارتش صهیونیستی منتشر کرد که شامل برآوردهایی از این جبهه‌ها و توصیه‌هایی به رژیم و آمریکا برای مقابله با این جبهه‌ها بود. این متن بالغ بر ۷ هزار کلمه است که ضمن توصیف وضعیت جبهه‌های مختلف اعم از ایران، یمن، عراق، کرانه باختری و لبنان، به صورت ریز توصیه‌هایی هم به ارتش رژیم، سیاست‌گذار و طرف آمریکایی برای مهار می‌کند. اهمیت این موسسه و البته این گزارش چنان است که اگر کل متن نیز برای استفاده پژوهشگران منتشر شود، کار بی‌پرده‌ای نخواهد بود اما این گزارش تلاش می‌کند ضمن رعایت اجمال، نشان دهد رژیم دشمن در حال حاضر مشغول چه پخت و پزی است و به چه می‌اندیشد. این متن را به صورت خلاصه می‌توان دستور کار جامع ۲ رژیم تروریست اسرائیل و آمریکا برای ادامه مسیر جنگ در منطقه دانست و از این نظر بررسی و مرور آن بسیار حائز اهمیت است.

■ **تقلای دستاورد**

این موسسه اذعان می‌کند اسرائیل در برخورد با ایران، بیش از آنکه حائز دستاورد استراتژیک باشد، تنها موفقیت‌های تاکتیکی به دست آورده و تلاش این متن آن است کمک کند اسرائیل «موفقیت‌های تاکتیکی خود را به دستاوردهای راهبردی بلندمدت تبدیل کند.» متن تصریح می‌کند در سایه مداخلات و تجاوزات آشکار اسرائیل که نوعی زمینه‌سازی برای ورود



بارها گفته شده ایران حداقل طی ۳۰۰ سال گذشته آغازگر هیچ جنگی نبوده اما در عین حال ایرانیان مردمان شجاع و باغیرتی هستند که به گواه تاریخ هیچ‌گاه برابر ستمکاران و ظالمان زمانه زانو نزده‌اند و هنگام مواجهه با دشمنان اشغالگر حتی بسیار جلوتر از حکومت‌های‌شان حرکت کرده و با مقاومت در برابر تعدی دشمنان، حماسه‌های افتخارآفرین متعددی را خلق کرده‌اند. پس از انقلاب اسلامی و تغییر شرایط، این بار مردم همگام با نظام اسلامی به دفاع از دین و مملکت خود برخاستند و با حضور مؤثر در صحنه‌هایی مانند مبارزه با دشمن بعثی در طول ۸ سال دفاع مقدس، مبارزه با ضدانقلاب و اشراق، مقابله با ترور و اقدامات تخریبی دشمنان، مقابله با آشوب و اغتشاش و سایر توطئه‌های دشمنان، صحنه‌های بدیعی از مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم و ظالمان را به نمایش گذاشتند. اینک ۳ ماه پس از نبرد با دشمن صهیونیست این ۲ سوال مطرح است: آیا نبرد مجدد رخ خواهد داد؟ نتیجه نبرد احتمالی با صهیونیست‌ها چه خواهد بود؟

تمام آیات و روایات اسلامی و حتی غیراسلامی و همچنین

تحلیل‌ها و تفسیرهای سیاسی و نظامی بیانگر این نکته است که هرچند ممکن است این جنگ تلفات و خساراتی را هم در پی داشته باشد اما قطعاً پیروزی نهایی از آن سپاه اسلام است.

بی‌شک اگر دشمنان می‌توانستند به زعم خودشان همان نمایش روز اول کار را تمام کرده بودند اما اخبار و اطلاعات دریافتی و قرآنی نظیر عبور موشک‌های ایرانی از سیستم پدافندی چندلایه آنها و ناتوانی در انجام عملیات گسترده پس از ۱۲ روز درگیری نشان داد دشمن صهیونیست کاملاً مستأصل و درمنده شده و حتی با تزریق تسلیحات و مهمات جدید توانایی بازسازی اساسی و کامل توان نظامی خود و امکان پیروزی در جنگ را نداشته.

مؤلفه‌های متفاوت قدرت ایران و استیصال دشمن

جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، دلایل کاملاً منطقی و موجه داشته و متناسب با شرایط جنگ بوده است.

البته مؤلفه‌های قدرت ایران تنها به قدرت نظامی محدود نمی‌شود و در صورت ادامه جنگ مستقیم، امکان استفاده از سایر ابزارهای قدرت نظیر بسن تنگه هرمز و استفاده از ابزار نفت، رونمایی و استفاده از تسلیحات ناشناخته ایران، هدف قرار دادن پایگاه‌های آمریکا در منطقه و فرمانطقه، استفاده از ظرفیت اعضای جبهه مقاومت و نیز هسته‌های مقاومت همسو با ایران در سراسر دنیا یا حتی استفاده از ظرفیت مؤلفه مهم مراجع بزرگوار شیعیان جهان (صودر فتوا) برای ضربه زدن به منافع یانکی‌ها چندان دور از انتظار نیست.

علاوه بر این از همان آغاز جنایات صهیونیست‌ها علیه مردم مظلوم و بی‌دفاع فلسطین، لبنان و یمن، نفرت افکار عمومی مردم جهان به شکل کاملاً محسوس در نقاط مختلف حتی در قلب اروپا و آمریکا بروز و ظهور یافته و این تفرق دامن آمریکا و برخی کشورهای اروپایی را هم به عنوان اصلی‌ترین پشتیبان اشغالگران قدس شریف گرفته، لذا تهاجم آمریکا علیه ایران می‌تواند به شعله‌ور کردن این آتش زیر خاکستر منجر و به بروز آشوب و اغتشاش حتی در خود آمریکا منتهی شود.

به عبارت دیگر اکنون تیغ سپاه اسلام زیر گلوئی معاویه قرار دارد، لذا به هیچ‌وجه نباید در آخرین گام زیر بار صلح تحمیلی رفت، به همین دلیل یکی از سؤالاتی که این روزها در محافل و مجالس مختلف زیاد شنیده می‌شود این است: با توجه به وضعیت متزلزل دشمن و آتش‌بس ناپایدار بین ایران و رژیم اشغالگر قدس، چه باید کرد و در این شرایط مردم چه نقش و وظیفه‌ای دارند؟

در پاسخ به این سؤال با توجه به تجارب گذشته و اظهارات پنهان و آشکار قبلی و اعترافات رسمی اخیر سردمداران بی‌شرم نظام سلطه بویژه آمریکای جهانخوار و صهیونیست‌های جانیپنکار نباید فراموش کنیم تحمل ایران مستقل برای آنها ناممکن است و به زعم خودشان به کمتر از نابودی و تجزیه

عرب منطقه را به باد فنا دهد، از این رو این موضوع نیز مانع دیگری است که امکان تداوم درگیری مستقیم آمریکا با ایران را تا حد زیادی از آنها سلب کرده است. نکته دیگر اینکه اگرچه آمریکایی‌ها ریسک‌پذیری در عملیات نظامی را اجتناب‌ناپذیر می‌دانند اما در عین حال براساس دکترین‌های تعیین شده برای یل‌کی‌ها تلفات و خسارت بیش از ۳۰ درصد در عملیات‌های نظامی شکست محسوب می‌شود و این در حالی است که سردمداران این کشور بخوبی می‌دانند در صورت جنگ مستقیم با ایران، تلفات و خسارات وارده به آنها کمتر از ۶۰ درصد نخواهد بود و به عنوان مثال کافی است تهران آراده کند یکی از موشک‌های عمودپروازش به یکی از ناوهای آمریکایی اصابت و آن را به ۲ نیم تقسیم کند تا تانماده آبرو و حیثیت نداشته آنها از بین برود.

گسترده‌گی سرزمینی، موقعیت استراتژیک و موانع طبیعی ایران، شکست آمریکا در افغانستان و یمن، بعد مسافت و ناممکن بودن امکان عملیات زمینی، همچنین مشکلات اقتصادی آمریکا نیز موانع دیگری است که اجازه انجام یک جنگ گسترده و درازمدت علیه ایران را از واشگتن سلب کرده و خود آنها نیز به رغم تأکید بر اجتناب‌پذیر بودن نبرد بارها اعتراف کرده‌اند بروز این جنگ می‌تواند پایان‌هنده عمر آنها باشد.

درباره رژیم صهیونیستی نیز اگرچه در منطقه مستقر است و نسبت به آمریکا در نزدیک‌ترین منطقه نبرد با ایران قرار دارد اما همین حالا هم برای پشتیبانی از نیروهایش در حمله احتمالی مجدد به ایران با مشکلات زیادی مواجه و طبیعی است این مشکل برای آمریکایی‌ها که قرار است از آن سوی دنیا برای پشتیبانی از پایگاه‌های خود در منطقه حاضر شوند، به مراتب سخت‌تر خواهد بود و مشکلات بیشتری را به همراه خواهد داشت. آنها بخوبی می‌دانند جمهوری اسلامی ایران از ذخایر کافی سلاح و مهمات برای دفاع یا تهاجم طولانی‌مدت برخوردار است و شدت یا کم و زیاد بودن تعداد پرتابه‌ها در

خاک ایران راضی نیستند، لذا دیر یا زود، نبرد نهایی به وقوع خواهد پیوست، بنابراین چند گزینه پیش روی ما قرار دارد که مهم‌ترین آنها به ترتیب اولویت عبارت است از:

راهبرد اول – از آنجا که کارشناسان نظامی حمله را بهترین دفاع می‌دانند، لذا بهترین گزینه انجام عملیات پیشدستانه و گرفتن فرصت از دشمن در یک عملیات غافلگیرانه است، چرا که درصد موفقیت در چنین عملیاتی بسیار زیاد و تقریباً تضمین شده است که البته ممکن است با برخی واکنش‌های منفی کشورها و بسواستفاده برخی دولت‌های استکباری و متقابل واکنش مثبت افکار عمومی جهان مواجه شود. **راهبرد دوم –** ایستادگی و مقاومت شررافتمندانه و انجام عملیات دفاعی و مقابله به مثل پس از حمله دشمن تا کسب پیروزی نهایی

راهبرد سوم – تسلیم بی‌قید و شرط و پذیرش درگمی و باج دادن به دشمن (راهکار مدعیان اصلاح‌طلبی!) که می‌تواند مثل سوریه، عراق، افغانستان، لیبی و سایر کشورهای مشابه به ویرانی کامل زیرساخت‌ها و حتی تجزیه و نابودی کشور منتهی شود که بی‌شک هیچ ایرانی باغیرتی حاضر به پذیرش آن نیست. در پایان ذکر این نکته ضروری است که آمریکا، اروپا و بسیاری از دیگر کشورهای جهان به خاطر ماهیت ضدلستکاری و استقلال‌طلبی ایران از بدو انقلاب عملاً وارد جنگ با ایران شده‌اند و انقلاب اسلامی از همان ابتدا درگیر انواع توطئه از جمله ۸ سال جنگ تحمیلی، شبیخون فرهنگی، ترخرب، تحریم و ترور از سوی آنها بوده و اینک با حمایت آمریکا و اروپا از رژیم صهیونیستی، در واقع به شکل آشکار تمام دنیای کفر به مصاف جبهه حق آمده و در واقع ایران اسلامی درگیر یک جنگ جهانی ناخواسته شده است اما بی‌شک همچون گذشته در این نبرد نیز با آکا به نهایت الهی، دعای الهی بیت و رهبری داهیهانه حسین زمان حضرت امام خامنه‌ای پیروز خواهد شد؛ ان‌شاءالله.